

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سوره مبارکه ق

ارائه: الناز ابراهیمی

# مقدمات

- روش کار
- انتخاب موضوع اصلی
- سوالات و هرچی به ذهنم رسیده

## معاد

- آیات ۲، ۳، ۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۳۵-۴۱، ۴۴
- درک معاد در دنیا (تبصره، ذکر، عبد منیب، سما و باسق، ورید، اواب حفیظ - خشی الرحمن بالغیب - قلب منیب - کان له قلب - القی السمع - شهید - ادبار السجود)

## سماء و باسق ( ۶ ، ۹ ، ۱۰ )

- جهت بالا
- افلم ينظرو الى السما؟ انكار آسمان ممكن نيست

## اوابِ حفیظ (۳۲)

- اواب: بسیار رجوع کردن به توبه و اطاعت است.
- حفیظ: به معنای آن کسی است که در حفظ آنچه خدا با او عهد کرده مداومت دارد، و نمی‌گذارد عهد خدا ضایع و متروک شود.

## خشى الرحمن بالغيب (۳۳)

- منظور از خشیت به غیب ترس از عذاب خدا است، در حالی که آن عذاب را به چشم خود ندیده اند. همان وعید.

## منیب (۸، ۳۳)

- منیب: باران بهاری، باران سودمند فراوان.
- عبد منیب: عبدی که زیاد به خدا رجوع میکند.

# قلب

- ← عقل و درک
- «انَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ؛ در این مطلب تذکر و یادآوری است برای آنان که نیروی عقل و درک داشته باشند».
- ← روح و جان
- «وَ إِذْ زَاغَتِ الْاَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ...؛ هنگامی که چشم‌ها از وحشت فرو مانده و جان‌ها به لب رسیده بود».
- ← مرکز عواطف
- «سَالِقِي فِي قُلُوبِ الدِّينِ كَفَرُوا الرَّعْبُ؛ به‌زودی در دل‌های کافران ترس ایجاد می‌کنم».



## قلب (اداراک باطنی) (۳۳، ۳۷)

- کلمه قلب : به معنای آن نیروئی است که آدمی به وسیله آن تعقل می کند و حق را از باطل تمیز می دهد، و خیر را از شر جدا می کند و بین نافع و مضر فرق می گذارد. و اگر تعقل نکند و چنین تشخیص و جداسازی نداشته باشد، در حقیقت وجود او مثل عدمش خواهد بود، چون چیزی که اثر ندارد وجود و عدمش برابر است.

## ورید (۱۶)

- رگی است که از قلب جدا شده و در تمامی بدن منتشر میشود و خون در آن در جریان دارد.
- خدای تعالی بین نفس آدمی و آثار و افعالش واسطه است. پس خدا از هر جهتی که فرض شود و حتی از خود انسان به انسان نزدیک تر است.

# القی السمع ( گوش )

- معنای القاء سمع همان گوش دادن است، گویا انسان در هنگام گوش دادن به سخن کسی گوش خود را در اختیار او می گذارد، تا هر چه خواست به او بفهماند.

شھید، تبصره، الم ینظروا (چشم) (۳۷، ۶، ۸)

• کلمه شھید: به معنای حاضر و مشاهده کننده است.

# ادبار السجود

- دیدن آیات
- توجه به مرتبه استعلایی (آنچه بالای سر ماست)
- درک مجد
- سجده

## ق

- کوهی که قله اش در عرش خداست و باعث سکونت زمین است.
- اتصال دائمی - سکون - از زمین به آسمان

# مریج و مریب / اواب و منیب

• مریج و مریب دچار سرگردانی و تردید و عدم اتصال با سر منشا و گمگشتگی، قلبشان دچار وسوسه است و چشم و گوششان درست کار نمیکند، آیات را نمیبینند و خشیت ندارند، سجده هم نمیکنند.

• اواب و منیب: مراقب و مواظب، دارای ارتباط و اتصال دائمی با حق یا سماء، یا قلب دارند یا از چشم و گوششان درست استفاده میکنند و آیات را میبینند و سجده میکنند.